

## مثالی از مشاوره طلاق

محسن و ژیلا به خاطر مسائل زناشویی به مشاوره پناه نیاورده بودند، با وجود آنکه متقاضی شده بودند. در حقیقت تصمیم گرفته بودند طلاق بگیرند. اما چون مسیحی بودند، می دانستند طلاق برایشان مشروع نخواهد بود، چون از نظر کلام خدا هیچ خلاقی وجود نداشت. دلیلی بخاطر زنا، یا ترک نبود، جز ظلمت زندگی. فکر می کردند اگر مشاور را بتوانند قانع کنند که ادامه دادن غیر ممکن است، آنوقت شاید راه نجاتی پیدا کنند.

ژیلا: همانطور که گفتیم، هیچ دلیلی برای ادامه زندگی با هم نداریم، من هیچ علاقه ای به محسن ندارم.

محسن: بله ژیلا درست میگه، هیچ دلیلی برای ادامه با هم نداریم. من شخصاً یک قطره علاقه برایم باقی نمانده.

سپس آرام شدند، چون حرفشان را زده بودند، و منتظر جواب مشاور بودند. منتظر آنکه بگوید، ”اگر دیگر عشق و علاقه ای در زندگی زناشویی شما نمانده، تنها راه طلاق است، اینطور نیست؟“.

### ماهی گیران گرداب زندگی

ماهی گیر، کلام را بر نوک قلاب می گذارد، تا ماهی را جذب خدا کرده نجات دهد

مشاور: ”خیلی متاسفم از آنکه زندگی زناشویی شما به پائین ترین درجه خود رسیده. مطلب عمده ای که گفتید این است، که دیگر عشق و علاقه ای به هم ندارید. در نتیجه، زندگی روزانه خود را در جهنمی می بینید که تمامی ندارد، و تنها راه، شکست زنجیر های پای شماست، که شما را در بند خود گرفته، و صدمه زده، نا امیدتان کرده. من خوب درک می کنم.

و گوش هر دو به دهان مشاور بسته بود تا حرف آخر را بشنوند .....

مشاور: شکی نیست که شیطان به هر دو شما حمله کرده و محتاج آن نجاتی هستید که تنها در خداوندمان عیسی مسیح، و روح القدس وجود دارد، اینطور نیست؟

محسن: اشکال ما با خدا نیست برادر، ما فقط نمی تونیم با هم زندگی کنیم.

مشاور: یادتان باشد که هر دو فرزندان خدا هستید، و وارث حیات جاویدان. هر اشکالی باشد، چه کوچک و چه بزرگ، خدا می تواند از میان راه فرزندان، بر دارد. این موضوع مهم و حیاتی را هیچ وقت فراموش نکنید، و از دست ندهید.

اما حال دچار جهنم شیطان شده اید. مورد تازه ای نیست. خدا نگفته، وای، حالا با این چیکار کنم! اگر به حرف خدا گوش دهید، امکانش هست از جهنمی که خود را در آن می بینید، رها شوید. جهنم جائی نیست برای فرزند خدا، قبول دارید؟ خدا شما را به اینجا آورده تا مسئله شما را، ”او“، حل کند، نه خود بدست بگیرید، و دوباره گرفتار شوید. یادتان باشد تنها دو راه، پیش روی شما هست. راه سومی وجود ندارد.

راه میانه رو، تمایل به چپ یا راست وجود ندارد. اگر وجود داشته باشد، یقیناً شیطان در آن نفوذ دارد، و از چاله به چاه افتادن است. خود را گول نزنید. زندگی شما لزومی ندارد، بستگی به شانس و اقبال و عقل شما بستگی داشته باشد.

#### امثال ۱۴

۱۲: پیش روی انسان ..... پیش روی انسان یعنی چی؟

راهی هست  
که در نظرش

درست می نماید،

اما در آخر به مرگ می انجامد. .... یعنی راه انسان همان راه شیطان است؟

محسن: ما اشکالی با خدا و شیطان نداریم. ما نمی توانیم با هم زندگی کنیم.  
ژیلا: ما نجات یافته ایم و مسیحی هستیم.

مشاور: به همین خاطر که شما مسیحی هستید، و نجات یافته اید است، که می گویم، بگذارید همانکه شما را نجات داد، دوباره شما را از جهنمی که در آن هستید، نجات دهد. تمام.

محسن: خدا چطور می خواهد ما را از این جهنم نجات دهد؟

مشاور: ببینید، شما ایمان خود را به خدا از دست داده اید. .... اینطور نیست؟

دستخوش شک و تردید به خدا شده اید. .... اینطور نیست؟

به جای آنکه من به شما بگویم،

بگذارید خدا خودش به عقل و منطق شما رجوع کند و خودش را به هر شکلی که می

خواهد، به شما نشان دهد.

قبول؟

#### متی ۱۲

۳۰: هر که با من نیست، ..... منظور چیست؟

بر ضد من است، ..... یعنی دو راه بیش نیست؟

و هر که با من

جمع نکند،

پراکنده می سازد. .... خدا با عشق و محبت عیسی کلیسایش را می سازد.

مشاور: عیسی مسیح می گوید، من "جمع" می کنم، اینطور نیست.

آنچه میان شما دو نفر در حال حاضر پیش آمده، از خدا نیست. درست؟

امکان ندارد از خدا باشد.

با این حرف موافق هستید؟

محسن: خیلی خوب. بله. شیطان به با حمله کرده. حالا که چی؟  
ژیلا: می خواهد ما را در راه کلام ببرد.

مشاور: کاملاً صحیح.

می خواهم شما را با کلام آشنا سازم، ولی تجربه با شماست. من نمی توانم آنچه خدا فقط برای شما در نظر دارد را برداشت کنم و برای شما تعریف کنم. ولی می خواهم شما را تشویق کنم، راه خدا را انتخاب کنید، چون فرزندان خدا هستید.

محسن: صحبت ما راجع به آخرت و گمشده و این حرف ها نیست.  
من دیگه عشقی نسبت به ژيلا ندارم. نمی تونم ادامه بدم.  
ژیلا: منم عشقی بر اش ندارم.

مشاور: جالب است که خدا در کلامش کتابی راجع به عشق و محبت دارد، اگر حوصله خواندن آن را دارید. اگر نه، نوع فشرده آن را می توانم تقدیم کنم. اما ابتدا باید خدا را بشناسید، تا بتوانید از مزایایش بهره مند شوید.

## مزمور ۱۰۳

۲: ای جان من ..... منظور چیست؟

خداوند را متبارک بخوان ..... مبارک، خوشامد، احترام  
و هیچ یک ..... یعنی هر یک ارزش خود را دارند.  
از همه احسانهایش را ..... منظور چیست؟  
فراموش مکن!

مشاور: آنچه تابحال از خدا بدست آورده را بیاد آورید. چه باعث آن شد  
و چگونه بدست آوردید؟

محسن: من نمی فهمم، این حرف ها چه ربطی بما دارد؟

مشاور: ربط دارد. سؤال را جواب بدید.

محسن: خدا باعث شد که نجات یابیم، و روح القدس باعث آن شد.

مشاور: خوب حرف من همین است. همان خدایی که شما را نجات داد، می گوید:

## متی ۱۱

۲۸: «بیاوید نزد من،  
ای تمامی زحمتکشان  
و گرانباران،  
که من به شما  
آسایش خواهم بخشید.

مشاور: برادر و خواهر من، راه درست همین است که دوباره برگردید به جانب خدا. ممکن نیست شما را رها کند. شما یک بار با او بوده اید، و آشنا هستید، و حال که دچار مشکل شده اید، چه بهتر که جانب پدر را بگیرید. راه خود را چشیده اید، و می دانید احتیاج به کمک دارید.

می خواهم بدانم آیا مایل هستید، قدری عمیقتر به مسئله بپردازیم؟

محسن: منظورتان چیست؟

مشاور: منظور من مسئله عاشقانه شماست که باید ابتدا با آن آشنا بشویم، و سپس پیشگاه خدا ببریم.

ژیلا: عاشقانه...! کدوم عشق. عشقی در کار نیست آقا. اون دنبال کار خودش، انگار من وجود ندارم، و راستش از دستش خسته شدم. نمی توئم با این مرد زندگی کنم“.

مشاور: خدا نمی خواهد شما به این جهنم ادامه بدید. خدای ما عیسی مسیح خدای شادی و نشاط است و پر از عشق و محبت. نه خدای ذلت و تاریکی. شما که می دانید خدای ذلت و تاریکی کیست.

## متی ۷

۷: بخواهید، ..... چگونه از خدا بخواهیم؟

که به شما داده خواهد شد؛ ..... چه داده خواهد شد؟

بکوبید،

که در به رویتان گشوده خواهد شد.

مشاور: اینجا می بینید خدا از شما می خواهد مسئله خود را پیش او بیاورید. اما ابتدا باید با مسئله آشنا شد تا بتوان پیش خدا برد و جواب را دریافت کرد. باید به حرف های هر دو شما گوش کرد. بنظر من هر یک می توانید فهرستی از آنچه از دیگری خوشتان نمی آید تهیه و شماره بندی کنید. به این شکل مجموع نارضاتی های زندگی هر یک از شما آشکار خواهند شد.

### شناخت ابعاد مسئله

آنچه آزارم می دهد  
زن

۱. زنا.. با یک دختر رو هم ریخته و بعضی شبا خونه نمیاد.	
۲. همش دروغ میگه.	۱
۳. همش کار داره. یک سلام و یک خدا حافظ و رفت تا معلوم نیست کی. کجا.	۴
۴. از بی شعوریش بیزارم.	۲
۵. اگر از اون خوشش میاد، چرا با من ازدواج کرده.	
۶. مگه من چه گناهی کردم؟	
۷.	
۸.	

اولویت هر یک را کنارش یادداشت کنید.

آنچه آزارم می دهد  
شوهر

۱. همش نق میزنه	۳
۲. من بخاطر کارم سرم شلوغه و خسته شدم.	
۳. هر وقت به خونه میام همش، چرا این، چرا اون، منم خسته نمی گذاره بخوابم.	۴
۴. دیگه جذاب نیست. همش تو خونست. وقتی منم میام، همش قر قر می کنه. کجا بودی؟ چیکار کردی؟ نه کنه جایی رفتی! راستشو بگو. هان ...	۲
۵. من با کسی که نق میزنه نمیتونم زندگی کنم.	۱
۶.	
۷.	
۸.	

اولویت هر یک را کنارش یادداشت کنید.

### برآورد ۱

نق میزند چون نمی داند چکار کند. حس می کند اشکالی در کار هست، ولی سر در نمی آورد، و اگر توجه کرده باشید، می خواهد سر در بیاورد. بخاطر تاریکی زندگی زناشوییست، که نق میزند.

مشاور: شما محسن خان، با زن دیگری رابطه دارید یا نه؟

محسن: من دوست های زیادی دارم، اما رابطه با کسی ندارم.

ژیل: بله همین دوستانی که میگی، با چند تا شون شب تا صبح بودی..؟

مشاور: شک و تردید، ژیلا خانم، با صحبت کافی راجع به مسئله است که از بین می رود. خدا، خوبی شما را می خواهد، نه بدی.

اگر بخواهید آنچه خدا راجع به عشق و محبت گفته، خصوصاً به زن و شوهرانی مانند شما، که به ستوه آمدید، و احتیاج به تغییر زندگی خود می باشید، لازم است جانب او را ببینید، تا بتوانید بفهمید چیست، که به شما می گوید. موضوع روحانیت، و خدا در روحانیتش است، که راه را با شما نشان می دهد. روح القدس است که کار را در شما انجام خواهد داد. بسیاری از آن استفاده کرده اند و موفق شده اند. اگر بتوانید بر درون دل خود، معنی آنچه می خوانید را بدست آورید، آنوقت نزدیک به کشف ریشه مسئله خود خواهید شد. اگر به راستی بر دل خود بنگرید، گواه حقیقت را بدست خواهید آورد. اگر بخواهید ادامه بدهید، می توانم به هر یک از مسائلی که گفتید رجوع کنیم و ببینیم چکار می توانیم بکنیم.

نقش زن و شوهر مسیحی را کلام خدا اینگونه نشان داده ..... .

اینجا شما جانب خدا را به صورت تکلیف معرفی می کنید، و نظرشان را، راجع به هر قسمت، می خواهید بنویسند. آیات همیشه شامل تشویق، روح القدس، و مورد خاص می باشند.

<http://www.moshaveremasihi.com/Guest-Book.html>

یک نمونه از تکلیف خانگی را می توانید اینجا ببینید. خود هر چه به نظرتان آید را اضافه کنید.

<http://www.moshaveremasihi.com/files/Rate.pdf>

منظور، لمس روح القدس است که می خواهید ببینید. البته آیاتی مربوط به موارد خاصی که اشاره شده را اضافه می کنید، ولی به هر حال، عشق به خداست که قدرت انجام کارهایش را می دهد.

## فیلیپیان ۲

۱۳: زیر

خداست که با عمل ..... عمل یعنی چه؟

نیرومند خود ..... کدام نیرو؟

هم تصمیم

و هم قدرت

آنچه خوشنودش می سازد، ..... از کجا بدانیم چه خوشنودش می کند؟

در شما

پدید آورد. .... یعنی از درون؟

عشق به خدا، تنها با شناخت کلامش میسر نیست، مگر با دعا، و پرستش، و محیطی پر از روح خدا. حمایت برنامه های کلیسا کمک خوب و ضروری را فراهم می سازند. چون ممکن است طول بکشد و متقاضی ناامید گردد. نیت ها مختلفند، ولی برای خدا فرقی نمی کند، چون راه را او نشان داده و روحش کار را انجام می رساند.

خصوصاً در اجرای نقش جدیدی که خدا برایشان فراهم ساخته، و لازم است در آن قدم بر دارند. منظور، شخصیتی است که خدا در هر یک می خواهد بسازد.

تمرکز بر خود است، یا بر دیگری؟  
زهر مار باعث فشار درونی شده.  
عجله در کار نیست؟  
اوضاع و احوال خوب نیست.

این خصوصیات را، روح القدس تغییر می دهد.  
مشاور، راهنمای متقاضی است، تا برداشت خود را از روح القدس بنماید.  
مسئله وسیله است. هدف خداست (روح القدس).  
خدا از این طریق خواست خود را در فرزندانش انجام می رساند.

دیگر خواهی باید جای خود خواهی را بگیری.  
شوهر نیاز های زن را برآورده می کند، و زن نیاز های شوهر را.  
در نتیجه عجله در کار نیست، چون عشق و محبت خدا جریان خود را دارد.

برای شخصی که بسیار خود خواه است،  
راهی که در مشاوره طلاق عنوان شده را می توان بکار برد.

مشکل است از قصد، تنها برای رضای خدا، به کسی که از او تنفر داشته اید، محبت کنید. درست.  
اما وقتی متقابلاً همسر خود، محبتی را که تابحال نکرده، انجام دهد، تشویقی برای ادامه راه خواهد بود. بیاد داشته باشید: محبت جاذبه خود را دارد، و هر چه بیشتر نیز، بهتر.  
مسائل بسیارند، ولی با فروکش یک دیوار (یک مسئله)، ساختمان خراب خواهد شد.  
اوست که باید "بردبار" باشد، "امید" داشته باشد، و خدا را "پرستش" کند.  
آمین.